

Presenting a Model for Economic Education of Middle School Students Based on the Grounded Theory Approach

1. Ali Akbar Hamadi^{}: Faculty Member, Shahid Chamran Campus, Farhangian University, Tehran, Iran

2. Fatemeh Sharifi Gol Zardi^{}: Teacher, Comprehensive University of Applied Sciences, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Sharifgolzardifatemeh@gmail.com

Abstract:

One of the dimensions of the Transformation Document in education is economic and professional education, which aims to cultivate graduates capable of managing their economic affairs and comprehending personal and societal economic issues. Acquiring economic literacy is essential for students, and secondary education provides a crucial opportunity for economic education. During this period, adolescents' unique talents emerge, their learning capacity and curiosity reach their peak, and new concerns such as selecting an academic major, choosing a profession, managing a household, and adopting ideological and ethical perspectives occupy their minds. This study is applied in terms of its objective and employs a qualitative research method. To design an optimal model for economic education at the lower secondary level, the study utilized the grounded theory approach, incorporating three stages of coding: open coding, axial coding, and selective coding. Ultimately, 18 core categories and 85 subcategories were identified. The research population consisted of relevant textual sources, including Quranic verses, related exegeses, 193 research articles, 26 master's theses, 7 doctoral dissertations, and 12 books in Persian. To ensure the credibility of the study, semi-structured and in-depth interviews were conducted with 11 experts, including faculty members of Farhangian University and middle school teachers. Sampling was carried out through purposive and snowball techniques until theoretical saturation was achieved. The units of analysis in this research were sentences and words. The findings of the study can be utilized by policymakers, planners, parents, educators, teachers, and other stakeholders in the education sector.

Keywords: Model, Economic Education, Lower Secondary Education, Grounded Theory.

How to Cite: Hamadi, A. A., & Sharifi Gol Zardi, F. (2024). Presenting a Model for Economic Education of Middle School Students Based on the Grounded Theory Approach. *Journal of Management, Education and Development in Digital Age*, 1(1), 46-59.



ارایه مدل تربیت اقتصادی دانش آموزان متوسطه اول بر مبنای رویکرد گراند تئوری

۱. علی اکبر حامدی[✉]: عضو هیات علمی پردیس شهید چمران تهران، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. فاطمه شریفی گل زردی^{ID}: مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Sharifgolzardifateme@gmail.com

چکیده

یکی از ساحت‌های سند تحول ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای است که هدف آن تربیت دانش‌آموختگانی است که توان تدبیر امور زندگی اقتصادی و درک مسائل اقتصادی خود و جامعه را دارا باشند؛ فراگیری سواد اقتصادی برای دانش‌آموزان، امری ضروری است و یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها برای تربیت اقتصادی دوره متوسطه است. در این دوره قسمت اعظم استعدادهای خاص نوجوانان بروز می‌کند، قدرت یادگیری و کنجکاوی آنان به حد اعلای خود رسیده و مسائل جدیدی مانند: انتخاب رشته، انتخاب حرفه و شغل، اداره خانواده و گرایش به مرام و مسلک، ذهن آنان را به خود مشغول می‌دارد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش کیفی می‌باشد. به منظور طراحی مدل مطلوب تربیت اقتصادی برای دوره متوسطه اول از روش داده بنیاد (گراند تئوری) با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده گردید که در نهایت ۱۸ مقوله اصلی و ۸۵ مقوله فرعی منتج گردید. جامعه آماری پژوهش متون مرتبط شامل آیات قرآن کریم، تفاسیر مرتبط، ۱۹۳ مقاله، ۲۶ پایان نامه کارشناسی ارشد، ۷ رساله دکتری و ۱۲ کتاب به زبان فارسی می‌باشد. برای اعتبار بخشی به پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با تعداد ۱۱ نفر از صاحب‌نظران اساتید دانشگاه فرهنگیان و دبیران متوسطه اول به عمل آمد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفت. واحد تحلیل جمله و کلمه بوده است. یافته‌های پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران، اولیا و مربیان و معلمان و دیگر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مدل، تربیت اقتصادی، دوره متوسطه اول، گراند تئوری.

نحوه استناددهی: حامدی، علی اکبر، شریفی گل زردی، فاطمه. (۱۴۰۳). ارایه مدل تربیت اقتصادی دانش آموزان متوسطه اول بر مبنای رویکرد گراند تئوری. نشریه مدیریت، توسعه و آموزش در عصر دیجیتال، ۱۱(۱)، ۵۹-۴۶.



در دنیای معاصر، اهمیت سواد مالی و تربیت اقتصادی بیش از هر زمان دیگری در زندگی فردی و اجتماعی احساس می‌شود. دانش اقتصادی و توانایی مدیریت منابع مالی، نه تنها در سطح فردی موجب بهبود کیفیت زندگی می‌شود، بلکه در مقیاس کلان، رشد اقتصادی کشورها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که آموزش سواد مالی باید از دوران کودکی آغاز شود و در برنامه‌های درسی مدارس گنجانده شود تا افراد در آینده بتوانند تصمیمات مالی آگاهانه بگیرند و از خطرات مالی پرهیز کنند (Lusardi et al., 2010). با این حال، در بسیاری از کشورها از جمله ایران، هنوز جایگاه تربیت اقتصادی در نظام آموزشی به‌طور کامل تعریف نشده است و این امر، شکاف قابل توجهی را در توانایی‌های مالی افراد ایجاد کرده است (Peighami & Tourani, 2016).

نوجوانان در سنین مدرسه در معرض تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مهمی قرار می‌گیرند؛ از جمله مدیریت پول توجیبی، برنامه‌ریزی برای خریدها و حتی پس‌انداز برای آینده. بنابراین، نداشتن دانش اقتصادی مناسب می‌تواند آنها را در مواجهه با چالش‌های مالی آسیب‌پذیر کند (Jaberi Safa et al., 2022). برخی از مطالعات نشان داده‌اند که کشورهایی که آموزش مالی را از سنین پایین در سیستم آموزشی خود ادغام کرده‌اند، شهروندانی با مهارت‌های مالی بالاتر و توانایی تصمیم‌گیری اقتصادی آگاهانه‌تر تربیت کرده‌اند (Cameron, 2013). بر این اساس، ضرورت دارد که کشورهایی در حال توسعه نیز به این مهم توجه کرده و سیاست‌های آموزشی خود را در راستای آموزش سواد مالی و تربیت اقتصادی بازنگری کنند (Santomero, 2003).

مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی مدارس به‌طور کلی به مباحث اقتصادی و مالی توجه کافی نداشته و دانش‌آموزان بدون درک اصول اولیه اقتصاد وارد زندگی اجتماعی و حرفه‌ای می‌شوند (Peighami & Tourani, 2011). همچنین، پژوهش‌ها حاکی از آن است که یکی از مشکلات اساسی در نظام آموزشی ایران، نبود منابع آموزشی مناسب برای تدریس مفاهیم مالی و اقتصادی در مدارس است (Emam Jomeh, 2010). این مسئله باعث شده است که دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با همسالان خود در کشورهای توسعه‌یافته، سطح پایین‌تری از سواد مالی داشته باشند و کمتر بتوانند برای آینده مالی خود برنامه‌ریزی کنند (Luthans et al., 2016). به علاوه، برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نبود سیاست‌های آموزشی منسجم برای تربیت اقتصادی در مدارس منجر به تفاوت‌های قابل توجهی در دانش مالی بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزان شده است. برای مثال، دانش‌آموزانی که در خانواده‌هایی با سطح سواد مالی بالاتر رشد کرده‌اند، معمولاً درک بهتری از مدیریت مالی دارند، در حالی که دانش‌آموزانی که در محیط‌هایی با آگاهی مالی پایین‌تر رشد کرده‌اند، بیشتر در معرض تصمیمات نادرست اقتصادی قرار می‌گیرند (Novitasari et al., 2021). این شکاف اجتماعی و اقتصادی، خود موجب افزایش نابرابری‌های مالی در جامعه شده و نیاز به مداخله آموزشی را بیش از پیش برجسته می‌سازد (Jana et al., 2024).

در بسیاری از کشورها، آموزش سواد مالی به عنوان بخشی از برنامه درسی مدارس ابتدایی و متوسطه اجرا می‌شود. برای مثال، در نیوزیلند و ژاپن، دروس اقتصاد و مدیریت مالی به‌طور رسمی در مدارس تدریس می‌شود و دانش‌آموزان از سنین پایین با مفاهیمی چون بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های زندگی آشنا می‌شوند (Cameron, 2013). همچنین، مطالعات انجام شده در آمریکا نشان داده‌اند که آموزش اقتصادی در مدارس منجر به بهبود رفتارهای مالی در بزرگسالی می‌شود و از مشکلاتی مانند بدهی‌های غیرضروری و ورشکستگی مالی جلوگیری می‌کند (Grimes et al., 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ادغام مفاهیم اقتصادی در نظام آموزشی می‌تواند پیامدهای مثبتی برای جامعه به همراه داشته باشد.

علاوه بر این، برخی از پژوهش‌ها تأکید دارند که تربیت اقتصادی تنها محدود به ارائه اطلاعات درسی نیست، بلکه باید از طریق روش‌های عملی مانند بازی‌های مالی، شبیه‌سازی‌های اقتصادی و پروژه‌های گروهی به دانش‌آموزان آموزش داده شود (Moukhallati, 2017). این روش‌های آموزشی نه تنها یادگیری را جذاب‌تر می‌کند، بلکه موجب افزایش مهارت‌های کاربردی دانش‌آموزان در زمینه مدیریت مالی می‌شوند (Ojand & Mahmoudpour, 2023).

در کنار نظام آموزشی، خانواده و جامعه نیز نقش مهمی در تربیت اقتصادی دانش‌آموزان دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سطح سواد مالی والدین تأثیر مستقیمی بر رفتارهای مالی فرزندان دارد (Hosseini et al., 2023). به همین دلیل، برخی کشورها برنامه‌هایی را برای ارتقای دانش مالی خانواده‌ها اجرا کرده‌اند تا بتوانند الگوی مناسبی برای

فرزندان خود باشند (Ahmadi & Akseiri, 2023). همچنین، رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند ابزار مؤثری در افزایش آگاهی مالی نوجوانان باشند و در شکل‌گیری نگرش‌های اقتصادی آنها نقش داشته باشند (Mayasari, 2015).

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تربیت اقتصادی و آموزش سواد مالی نشان داده‌اند که عوامل متعددی بر درک اقتصادی و توانایی‌های مالی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. اوژند و محمدپور (۱۴۰۲) به ارتباط مثبت میان توانایی شناختی و دانش اقتصادی اشاره کردند و نشان دادند که توانایی شناختی می‌تواند به بهبود دانش مالی و تصمیم‌گیری اقتصادی منجر شود (Ojand & Mahmoudpour, 2023). احمدی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی اقتصاد مقاومتی به عنوان الگویی بومی پرداخته و بر نقش این مدل در تربیت اقتصادی نوجوانان تأکید کرده‌اند (Ahmadi & Akseiri, 2023). در همین راستا، حسینی و همکاران (۱۴۰۲) برنامه درسی اقتصاد خانواده را طراحی کرده و به اهمیت آموزش خانواده و درک بهتر مفاهیم اقتصادی اشاره کرده‌اند (Hosseini et al., 2023). همچنین، جابری صفا و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که اجرای موفق برنامه درسی تربیت اقتصادی به تسلط معلمان بر دانش اقتصادی بستگی دارد (Jaberi Safa et al., 2022). پیغامی و تورانی (۱۳۹۰) بر اهمیت گنجاندن اقتصاد در برنامه درسی ملی تأکید کردند (Peighami & Tourani, 2011). جانا و همکاران (۲۰۲۴) مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سواد مالی را شغل، درآمد و صلاحیت تحصیلی معرفی کردند (Jana et al., 2024). نویتاساری و همکاران (۲۰۲۱) تأثیر مثبت سواد مالی، سبک زندگی دانش‌آموزی و شرایط اجتماعی والدین را بر مدیریت مالی دانش‌آموزان نشان دادند (Novitasari et al., 2021). گریمز و همکاران (۲۰۲۱) بررسی کردند که چگونه سواد اقتصادی می‌تواند از پیامدهای منفی رکود اقتصادی بر خانواده‌ها بکاهد (Grimes et al., 2021). لوساردی (۲۰۱۹) نشان داد که کمبود سواد مالی حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز مسئله مهمی است و نیازمند توجه ویژه است. آماجیر و همکاران (۲۰۱۸) بر اهمیت روش‌های تدریس فعال در یادگیری مالی کودکان و نوجوانان تأکید کردند (Lusardi et al., 2010). موخالاتی (۲۰۱۷) تأثیر پروژه‌های آموزشی بر درک ارزش پول در کودکان را بررسی کرد. لکاتس و کیس (۲۰۱۶) چالش‌های آموزش اقتصادی در مدارس هند را بررسی کردند و پیشنهاد دادند که برنامه درسی جدیدی تدوین شود (Moukhallati, 2017). میکا (۲۰۱۵) نشان داد که دروس ریاضی و فیزیک می‌توانند به توسعه تفکر اقتصادی کمک کنند (Mica, 2015). کامرن (۲۰۱۳) وضعیت سواد مالی دانش‌آموزان نیوزلند، ژاپن و آمریکا را مقایسه کرده و بر لزوم بهبود آموزش مالی تأکید کرد (Cameron, 2013).

با توجه به مباحث مطرح‌شده، این پژوهش به دنبال بررسی مدل‌های موجود تربیت اقتصادی و ارائه یک الگوی بهینه برای ادغام آموزش سواد مالی در نظام آموزشی ایران است. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی چالش‌های موجود در آموزش اقتصادی مدارس و ارائه راهکارهایی برای بهبود سطح سواد مالی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحلیل داده در این تحقیق کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه پردازی گرانددتئوری با رویکرد استراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده شده است. کدگذاری نظری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند و فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. در این روش سه رکن اصلی "مفاهیم"، "مقوله‌ها" و "قضیه‌ها" وجود دارند. بر اساس رویدادها یا فعالیت‌های واقعی، آن‌طور که مشاهده یا گزارش می‌شود، نمی‌توان نظریه را ساخت؛ نظریه‌ها بر اساس "داده‌های خام" شکل می‌گیرند. بر این اساس رویدادها، حوادث رخدادها شاخصه بالقوه پدیده‌ها هستند که می‌توان بر اساس آن‌ها به پدیده‌ها عناوین مفهومی داد. مقوله‌ها نسبت به آنچه مفاهیم نشان می‌دهند تجربیدی‌تر و در سطح بالاتری قرار دارند.

جامعه آماری پژوهش متون مرتبط و نیز صاحب نظران متخصص در زمینه تعلیم و تربیت و اقتصاد بوده است. جامعه نمونه این مطالعه در بخش متون شامل آیات قرآن کریم، تفاسیر مرتبط، ۱۹۳ مقاله، ۲۶ پایان نامه کارشناسی ارشد، ۷ رساله دکتری و ۱۲ کتاب به زبان فارسی می‌باشد که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. همچنین جامعه نمونه در بخش صاحب نظران تعداد ۱۱ نفر بوده است که نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی تا اشباع نظری انجام شده است. این پژوهش شامل: ۱- مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته؛ ۲- فرم کدگذاری محقق ساخته تحلیل اسناد مکتوب می‌باشد.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله گذگاری باز، گذگاری محوری و گذگاری انتخابی انجام شد. در اولین مرحله گذگاری باز، توصیف و طبقه بندی داده‌ها انجام شد؛ در مرحله گذگاری محوری، مقوله‌ها و مفاهیمی که در مرحله گذگاری باز شناسایی شده بود در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند تا در نهایت، در گذگاری انتخابی از دل داده‌ها مدل تربیت اقتصادی استخراج شد. واحد تحلیل جمله و کلمه بوده است.

ارزشیابی پژوهش‌های کیفی همچون پژوهش‌های کمی، مبتنی بر معیارهایی خاص است گوبا و لینکن (۱۹۸۹) معیارهای اعتبار، انتقال، اعتماد، تایید را در پژوهش‌های کیفی معادل روایی درونی، روایی بیرونی، پایایی و عینیت پژوهش‌های کمی می‌دانند. آن‌ها علاوه بر این معیارها اصالت را به عنوان یکی از معیارهای دیگر برای ارزشیابی پژوهش‌های کیفی تلقی می‌کنند. به منظور حصول اطمینان از روایی پژوهش حاضر و دقیق بودن یافته‌ها، از تکنیک سه سویه سازی استفاده شد. کلیه مراحل و فرایند گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش (رفت و برگشت کدها)، توسط تیم پژوهش مورد ارزیابی و باز خوردهای مستمری قرار گرفت واز نظرات آن‌ها به عنوان تحلیل گران مستقل بهره برداری شد. پس از شناسایی و گذگاری داده‌های گردآوری شده فرایند گذگاری مجدد به همت همکار پژوهشگر، مقایسه با کدگذاریهای اولیه و دستیابی به نتایج مشابه، انجام شد. در مجموع، تلاش گردید با مستندسازی دقیق همه مراحل پژوهش، معیارهای مذکور در ارزشیابی مطالعات کیفی به دقت مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها

در این بخش نتایج پژوهش به تفکیک ابعاد نظریه زمینه‌ای گزارش می‌گردد.

جدول ۱. شرایط زمینه‌ای (محیطی) و عوامل اثرگذار، عوامل مداخله گر، راهبردهای تربیت اقتصادی و پیامدهای مرتبط با تربیت اقتصادی دانش‌آموزان

عنوان	مقوله
پدیده اصلی	تربیت اقتصادی
شرایط علی: این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.	آشنایی با مفاهیم علم اقتصاد- انگیزه استقلال مالی- کسب درآمد - ایجاد زمینه برای سواد مالی دانش‌آموزان- تعامل محیط کار و محیط آموزشی- نگرش دینی مدرسه و تقویت و پرورش ارزش‌های دینی- وفاق و همدلی - مناسب نبودن زیرساخت‌ها و امکانات مدرسه- انگیزه رفاه عمومی- میزان آشنایی با انواع سرمایه- میزان تسلط به بازارهای سرمایه- اقتصاد محلی- نگاه ارزشمندی به کار، - برنامه درسی آشکار و پنهان مدرسه- اهمیت دادن به روابط اقتصادی انسان با جامعه
راهبردها: بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف داری هستند که تحت تاثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند.	تدوین الگوی صحیح مصرف - تدوین برنامه آموزشی غیرمتمرکز- تدوین بسته‌های آموزش سواد مالی - تدوین برنامه درسی مهارت آموزی- عدالت محوری در توزیع- تشویق به تولید با توجه به موقعیت جغرافیایی- ارج نهادن به مصرف تولیدات داخلی و استفاده از وسایل داخلی در محیط‌های آموزش، اداری و... - تغییر الگوی بینشی و نگرشی جامعه در زمینه اقتصادی - تدوین الگوی رفاهی صحیح به منظور پرهیز از ثروت اندوزی- ساده زیستی مسئولان در رفتار- ایجاد فروشگاه‌های مجازی در مدرسه با سرمایه گذاری دانش‌آموزان- ایجاد رقابت مالی عدالت محورانه بین مدارس- تهیه بازی‌های دیجیتالی (گیمیفیکشن) در زمینه مالی- استفاده از مجلات رشد به منظور آموزش سواد مالی و تربیت اقتصادی- بستر سازی بروز خلاقیت و نو آوری
شرایط زمینه ای/حاکم: راهبردهای دستیابی به الگوی-آموزش سواد مالی از زمینه و بسترها تاثیر می‌گیرد.	شیوه زندگی- سیستم نظام آموزشی کشور در حوزه مالی و اقتصادی- فرهنگ اقتصادی حاکم بر جامعه- محتوای کتاب‌های آموزشی مدرسه- الگوی اقتصادی حاکم بر جامعه- میزان سواد مالی خانواده- آشنایی با شیوه‌های پس انداز- رشد شاخص‌های توسعه انسانی- به روز بودن تکنولوژی و فن‌آوری در سطح مدرسه- اشتغال زنان
شرایط واسطه ای/مداخله گر: شرایط مداخله گر، شرایط زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تاثیر می‌گذارد	عدم بهره وری از تخصص و نوآوری- فناوری نوین- فرهنگ کار آفرینی- فقدان الگوی استاندارد تربیتی در زمینه آموزش سواد مالی و اقتصادی- موانع زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی درخصوص دانش بنیان بودن موضوعات درسی- آشنایی با انواع سرمایه و بازارهای سرمایه گذاری- سواد مالی والدین و دانش‌آموزان - محیط زندگی

عوامل علی



این شرایط مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تربیت اقتصادی مجموعه‌ای از پیشبینی‌های است که هر فرد را برای یک زندگی با آرامش و آسایش در آینده آماده می‌کند. مجموع این برنامه ریزی‌ها فقط به پس انداز کردن و سرمایه گذاری خلاصه نمی‌شود. این مقوله‌ها فقط بخش کوچکی از تربیت اقتصادی هستند. در تربیت اقتصادی عوامل علی که در این پژوهش بدست آمده‌اند عبارت هستند از: آشنایی با مفاهیم علم اقتصاد، انگیزه استقلال مالی، کسب درآمد، ایجاد زمینه برای سواد مالی دانش‌آموزان، تعامل محیط کار و محیط آموزشی، نگرش دینی مدرسه، وفاق و همدلی، مناسب نبودن زیرساخت‌ها و امکانات مدرسه، انگیزه رفاه عمومی، میزان آشنایی با انواع سرمایه، میزان تسلط به بازارهای سرمایه، اقتصاد محلی، نگاه ارزشمندی به کار، برنامه درسی آشکار و پنهان مدرسه، اهمیت دادن به روابط اقتصادی انسان با جامعه، در مدارس از شرایط علی است که بر تربیت اقتصادی اثرگذار است. نظام آموزشی کشور مسئولیت باروری و شکوفایی استعدادها و توانایی نسل کنونی و آتی جامعه را برای رسیدن به توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به عهده دارد همه افراد جامعه باید از رویه‌های معقول و محیط‌های آموزشی جامع که هدف آن برابری آموزشی باشد بهره مند شوند. داشتن سواد حقی است که تک تک افراد یک جامعه برای سعادتمندی خود و دیگری بدان نیاز دارند. و این سواد شامل سواد مالی توأم با بینش اقتصادی نیز می‌باشد. سواد مالی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه یافته دنیا در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل آسیب‌های اجتماعی، حاصل از سطح پایین بودن سواد مالی مردم، سبب شد توجه خاصی در خصوص آموزش دانش‌آموزان انجام شود. اما در کشور ما کارشناسان و متولیان امر به مؤلفه‌های اساسی تربیت اقتصادی و تفاوت آن با سواد مالی نپرداخته‌اند. و الگوی مناسب برنامه درسی برای ارائه به معلمان و آموزگاران را که باید عهده‌دار آموزش باشند ارائه نداده‌اند تا با تمسک به آن بتوان به تربیت دانش‌آموزان پرداخت. افرادی که از تربیت اقتصادی مناسبی برخوردارند می‌توانند برنامه ریزی درستی برای خود و خانواده انجام دهند. این اشخاص می‌توانند مخارج خود را به صورت بهینه مدیریت کرده و پس اندازهای خود را در فعالیت‌های سودآور با نگاه دینی سرمایه گذاری کنند. بسیاری از بزرگسالان به دلایل مختلف از جمله مدیریت بد منابع مالی خودشان، از صحبت کردن و آموزش سواد مالی به کودکان خودداری می‌کنند که در این صورت کودکان را از مواجهه با دو مقوله تجربه و قدرت پیش بینی محروم می‌کنند. والدین نباید تصور کنند برای آموزش سواد مالی حتماً باید خودشان فردی ثروتمند یا با توانایی مالی بالا باشند. آن‌ها می‌توانند با تلاش بیشتر و کسب درآمد بالاتر الگوی خوبی برای فرزندان خود باشند، البته همانگونه که گفته شد باید با چگونگی آموزش سواد مالی به فرزندانشان آشنا باشند.

اشاره به متن یکی از مصاحبه‌ها: "آشنایی دانش‌آموزان با سواد اقتصادی یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که بایستی آن را آموزش ببیند تا بتواند آینده مالی خود را تأمین کند. داشتن برآورد و پیشبینی از درآمد و مخارج از اساسی‌ترین نیازها است. در ادامه با پدید آمدن این سواد مالی فرد به بلوغ اجتماعی می‌رسد، بهتر است دانش‌آموز یک هدف برای خود در نظر بگیرد و برای رسیدن به آن سرمایه جمع‌آوری کند، خرج‌های خود را کنترل کند، موانع راه را بررسی کند تا بتواند به هدف مقرر شده دست یابد. هدف، ریسک و کنترل سه راس یک مثلث‌اند و باید در ابتدا به دانش‌آموز آموخته شوند. یکی دیگر از مواردی که می‌تواند تربیت اقتصادی دانش‌آموزان اثرگذار باشد، وفاق و همدلی و پرهیز از خود محوری، می‌تواند وسیله‌ای برای احیای اقتصاد محلی باشد و در کنار دیگر اهداف در مقصدهای کوچک معمولاً نقش مهمی در توسعه اقتصادی بازی کند".

اشاره به متن یکی دیگر از مصاحبه‌ها: "داشتن سواد مالی در بوجود آمدن رفاه مالی به واسطه گرفتن تصمیمات مناسب ترو سنجش صرفه اقتصادی آن‌ها و در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف یک تصمیم (درآمد، هزینه و هزینه فرصت از دست رفته آن) موثر است".

راهبردها

بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدف داری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم حاصل می‌شوند. براساس نتایج بخش کیفی این پژوهش استخراج شده است عبارتند از: تدوین برنامه آموزشی غیرمتمرکز، تدوین بسته‌های آموزش سواد مالی، تدوین برنامه درسی مهارت آموزی عدالت محوری در توزیع، تشویق به تولید با توجه به موقعیت جغرافیایی (توان اقتصادی محلی) ارج نهادن به مصرف تولیدات داخلی و استفاده از وسایل داخلی در محیط‌های آموزش، اداری و...

تغییر الگوی بینشی و نگرشی جامعه در زمینه اقتصادی، تدوین الگوی رفاهی صحیح به منظور پرهیز از ثروت اندوزی، ساده زیستی مسئولان در رفتار، ایجاد فروشگاه‌های مجازی در مدرسه با سرمایه گذاری دانش‌آموزان، ایجاد رقابت مالی عدالت محوره بین مدارس، استفاده از مجلات رشد به منظور آموزش سواد مالی و تربیت اقتصادی، بستر سازی بروز خلاقیت و نو آوری، تهیه بازیهای دیجیتالی (گیمیفیکشن) در زمینه مالی، با افزایش سریع عصر دیجیتالی و نوآوری در آموزش، در برهه‌ای که دانش‌آموزان از گوشی‌های هوشمند، تبلت و لپ تاپ و... به عنوان ابزار یادگیری استفاده می‌کنند، و با وجود حجم وسیعی از در کنار تدریس سنتی، در سالن‌ها و کلاس‌ها باید از شیوه‌های نوین تدریس نیز استفاده نمود. شیوه‌های تدریس جدید و خلاقانه تمرکز بیشتر بر یادگیری فعال دارند. با این شیوه‌ها دانش‌آموزان آزادانه با یکدیگر تعامل داشته و در روند درس مشارکت می‌کنند. آموزش سواد مالی نیز از این امر مستثنی نیست و باید روش‌های سنتی با رویکرد جدید و همچنین استفاده از برنامه‌های رایانه ای، گیمیفیکشن، طراحی وب سایت و... جهت آموزش مهارت‌های مالی بکار گرفته شود تا توجه دانش‌آموزان نسل دیجیتالی و پرسرعت امروز را به خود جلب سازد.

اشاره به متن یکی از مصاحبه‌ها: "امروزه در دنیا روش‌ای قدیمی و تثبیت دیگر برطرفدار نیستند. بلکه روش‌های عملی پرکاربرد ترند مانند انیمیشن‌ها، کارگاه‌ها، فضای مجازی، بازی سازی و واقعیت مجازی. شیوه‌های آموزش در امر یادگیری بسیار مهم و موثر هستند و در تمام زندگی فرد نقش خواهد داشت، لذا از اهمیت بالایی برخوردار هستند". برخی از مشارکت کنندگان در مصاحبه معتقد بودند که: "باید برای مدیران مدرسه وظایفی را در خصوص ارائه برنامه تربیت اقتصادی تعیین کرد و برای آن امتیازاتی را در نظر گرفت". یکی دیگر از مشارکت کنندگان بیان می‌کرد که: "در سال‌های اخیر اصلا مدیران مدارس به خصوص مدارس پسرانه به هفته آشنایی با مشاغل نمی‌پردازند و همین باعث بیگانه بودن دانش‌آموزان با مهارت‌ها است و وقتی درباره ساحت‌های سند تحول سوال شد اعلام کردند که آشنایی با ساحت‌ها و پرداختن به آن در شوراهای آموزشی مدرسه نیاز به نظارت و برنامه ریزی از سوی ادارات آموزش و پرورش استان دارد.

اشاره به متن یکی دیگر از مصاحبه‌ها: "قومیت‌ها نیز در تربیت اقتصادی بی تاثیر نیستند و منطقه جغرافیایی و اقتصادی که فرد در آن زندگی می‌کند قطعاً در تربیت اقتصادی موثر خواهد بود. برای مثال فردی که در پایتخت زندگی می‌کند مدیریت مصرفش در آب با فردی که در کویر زندگی می‌کند و قدر آب رامی داند و خانواده چگونگی مصرف صحیح را به او می‌آموزد دارای اختلاف فرهنگی و قومی است که در نتیجه این امر بر روی تربیت اقتصادی دانش‌آموز اثر گذار است".

شرایط زمینه‌ای / حاکم

راهنماهای دستیابی به الگوی آموزش سواد مالی از زمینه و بسترها تاثیر می‌گیرد. که در این پژوهش عبارتند از: شیوه زندگی، سیستم نظام آموزشی کشور در حوزه مالی و اقتصادی، فرهنگ اقتصادی حاکم بر جامعه، محتوای کتاب‌های آموزشی مدرسه، الگوی اقتصادی حاکم بر جامعه، میزان سواد مالی خانواده، آشنایی با شیوه‌های پس انداز، رشد شاخص‌های توسعه انسانی، اشتغال زنان، به روز بودن تکنولوژی و فن آوری در سطح مدرسه، بر نحوه زندگی تأثیر گذار است. اشاره به دیدگاه یکی از مصاحبه شوندگان: "ما ایرانی‌ها پول درآوردن را قبیح می‌دانیم و فکر می‌کنیم هر کس ثروتمند است دزد است. در حالی که دین اسلام منعی برای ثروت نداشت و حد و مرزی برای آن تعیین شده است که انسان دچار گمراهی و از خود بیگانگی نشود و در کنار آن به پرداخت حقوق نیازمند اشاره دارد افراد جامعه باید ارزش پول در آوردن را بدانند و ارزش‌ها و منابع را اولویت بندی کنند."

عوامل مداخله‌گر

با توجه به نتایج استخراج شده از مصاحبه‌ها عوامل مداخله‌گر در تربیت اقتصادی موارد زیر به دست آمد: عدم بهره‌وری از تخصص و نوآوری، فناوری نوین، فرهنگ کار آفرینی، موانع زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی در خصوص دانش بنیان بودن موضوعات درسی، میزان آشنایی با انواع سرمایه و بازارهای سرمایه گذاری، سواد مالی والدین و دانش‌آموزان، محیط زندگی، فقدان الگوی استاندارد تربیتی در زمینه آموزش سواد مالی و اقتصادی؛ با توجه به آسیب پذیر بودن نوجوانان و جوانان نداشتن سواد مالی و تربیت

اقتصادی اثرات منفی برای خود فرد و جامعه به دنبال دارد. از سوی مصاحبه شوندگان مطرح شد: "آموزش سواد مالی به نوجوانان دوره اول متوسطه سبب افزایش امنیت اقتصادی فرد و خانواده، تقویت سیستم اقتصادی کشور، مدیریت اثر بخش منابع مالی خانواده و فرد، افزایش سطح رفاه فرد و جامعه، کاهش فرصت‌های سوداگرانه و کلاهبرداری در سطح جامعه" می‌شود.

برای نمونه برخی از نظرات مصاحبه شونده‌ها به این شرح بیان می‌شود: "نظام آموزشی ما برای آموزش سواد اقتصادی برنامه‌ای ندارد چه رسد به تربیت اقتصادی!". تعاملات بین سازمانی آموزش و پرورش برای جذب منابع و تعامل با نهادها و سازمان‌ها می‌تواند نقش اثرگذاری در آموزش اقتصاد به دانش‌آموزان در محیط مدرسه بازی کند. مدیران مدارس باید به این نکته توجه نمایند که تعامل باجمع خیرین و گزارش مالی به آن‌ها واقفان آنان برای کمک به مدرسه، تعامل باوالدین و ارائه گزارش کارهای انجام شده توسط مدیران برای دانش‌آموزان می‌تواند فعالیت مالی دانش‌آموزان را پوشش دهد. سیاست‌های حاکم بر محیط آموزشی همان گونه که جنبه‌های آموزشی راتحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند جنبه‌های مالی محیط آموزشی در سطح کشور را نیز تحت تأثیر قرار بدهند.

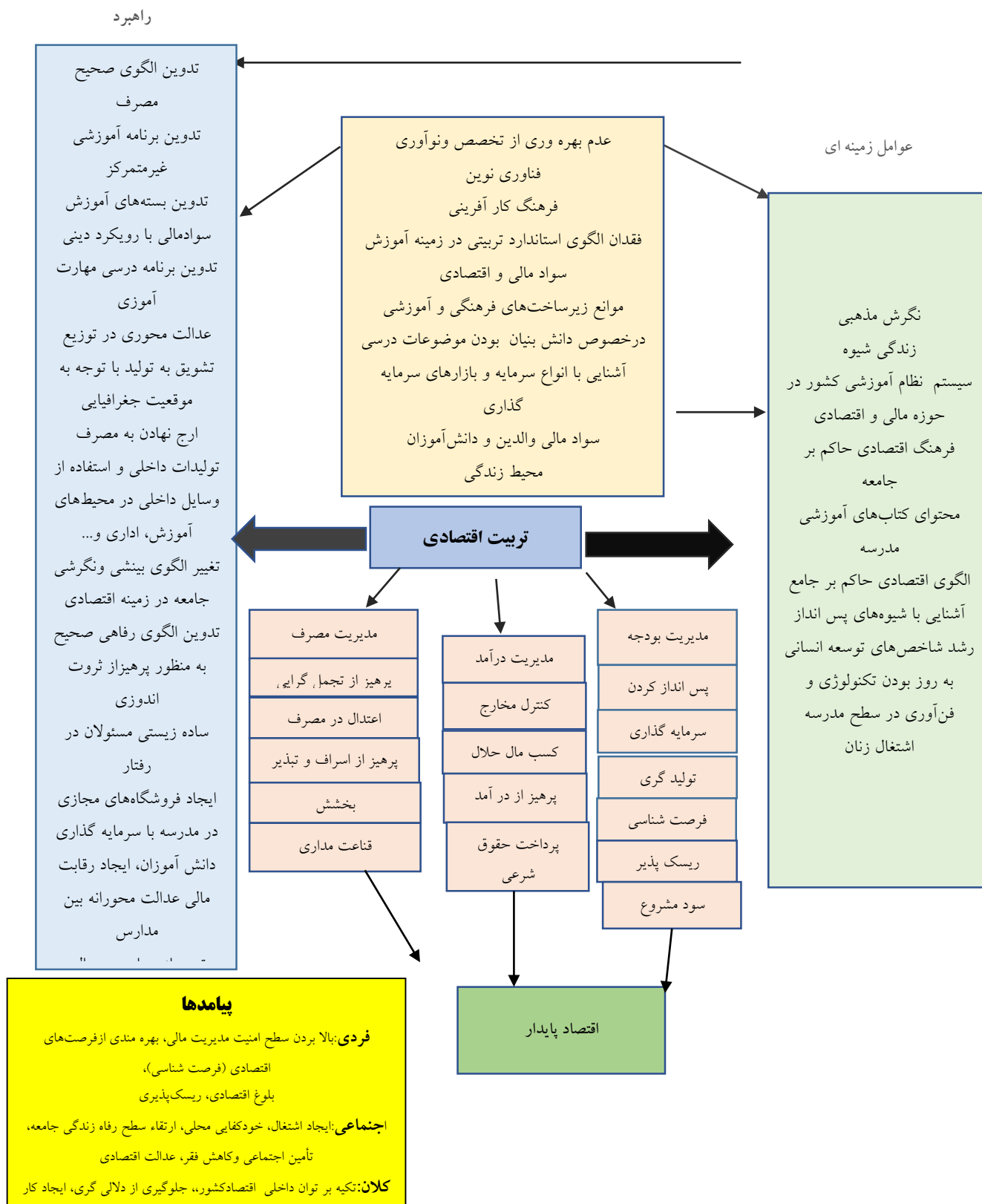
پیامدها

مقوله‌هایی که بیانگر نتایج و پیامدهایی است که در اثر آموزش سواد مالی به وجود می‌آید. پیامدهای تربیت اقتصادی حاصل از کد گذاری‌ها و نتایج مصاحبه‌ها در سه دسته بندی گردید که عبارتند از:

سطح فردی: بالا بردن سطح امنیت مدیریت مالی، بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی (فرصت شناسی)، کسب مهارت مدیریت منابع مالی شخصی و خانوادگی، بلوغ اقتصادی، خلاقیت و نوآوری، ارتقا سطح زندگی فردی، کسب مهارت عبور از بحران‌های بازارهای سرمایه در آینده، سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری‌های مالی، توسعه اقتصادی.

سطح اجتماعی: ایجاد اشتغال، خودکفایی محلی، ارتقاء سطح رفاه زندگی جامعه، تأمین اجتماعی و کاهش فقر، عدالت اقتصادی.

سطح کلان: تکیه بر توان داخلی اقتصاد کشور، کاهش گسست‌های نظریه و عمل ناشی از مسائل اقتصادی در جامعه، تضمین ثبات در نوسانات اقتصادی، جلوگیری از دلالی‌گری، ایجاد کار آفرینی و رونق بازارهای اقتصادی، عزت‌مندی و هویت ملی.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دوره متوسطه اول به‌طور کلی از سطح سواد مالی پایینی برخوردارند و توانایی مدیریت اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های مالی آنان به دلایل مختلفی، از جمله کمبود آموزش رسمی در نظام درسی، بسیار محدود است (Jaberi Safa et al., 2022). همچنین، بررسی‌ها نشان داد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر درک مالی دانش‌آموزان، سطح سواد مالی خانواده و میزان تعامل آنان با مفاهیم اقتصادی در زندگی روزمره است (Hosseini et al., 2023).

نتایج پژوهش نشان داد که شیوه‌های تدریس تعاملی، مانند آموزش مبتنی بر بازی‌های مالی و شبیه‌سازی‌های اقتصادی، اثربخشی بیشتری نسبت به روش‌های سنتی حفظ و تکرار دارند (Novitasari et al., 2021). دانش‌آموزانی که در چنین محیط‌های آموزشی قرار داشتند، توانایی بیشتری در بودجه‌بندی شخصی، پس‌انداز و مدیریت هزینه‌های خود نشان دادند (Jana et al., 2024). علاوه بر این، مشخص شد که نبود آموزش رسمی و سازمان‌یافته در زمینه سواد مالی منجر به ایجاد نابرابری‌های آموزشی میان دانش‌آموزان با پیشینه‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت شده است (Ahmadi & Akseiri, 2023).

همچنین، نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که دارای سطح سواد مالی پایین‌تری بودند، رفتارهای اقتصادی ناپایدار مانند خرج کردن بی‌رویه، عدم پس‌انداز، و تصمیم‌گیری‌های ضعیف مالی داشتند (Grimes et al., 2021). در مقابل، دانش‌آموزانی که از طریق خانواده یا منابع غیردرسی در معرض آموزش مالی قرار گرفته بودند، عملکرد بهتری در آزمون‌های مرتبط با مدیریت اقتصادی شخصی داشتند (Ojand & Mahmoudpour, 2023).

نتایج این پژوهش با مطالعات قبلی در حوزه آموزش اقتصادی همخوانی دارد. برای مثال، پژوهش (Lusardi et al., 2010) نشان داد که فقدان آموزش مالی در مدارس منجر به مشکلات مالی در دوران بزرگسالی می‌شود و افراد بدون این آموزش‌ها به احتمال بیشتری دچار بدهی‌های غیرضروری و تصمیمات مالی نادرست می‌شوند. به‌طور مشابه، پژوهش (Cameron, 2013) که در نیوزیلند، ژاپن و ایالات متحده انجام شد، نشان داد که در کشورهایی که آموزش مالی به‌عنوان بخشی از برنامه درسی رسمی گنجانده شده است، دانش‌آموزان توانایی بیشتری در مدیریت منابع مالی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند.

مطالعه‌ای دیگر در حوزه آموزش اقتصادی، که توسط (Jaberi Safa et al., 2022) انجام شد، نشان داد که طراحی الگوی مناسب برای برنامه درسی اقتصاد در مدارس می‌تواند موجب توسعه پایدار و افزایش آگاهی اقتصادی در سطح جامعه شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش رسمی مالی نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سطح کلان نیز تأثیرگذار است و می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی یک کشور کمک کند.

یافته‌های پژوهش همچنین با مطالعه (Grimes et al., 2021) مطابقت دارد که نشان داد خانواده‌هایی که دارای سطح سواد مالی بالاتری بودند، توانایی بیشتری در مقابله با بحران‌های مالی داشتند. در این پژوهش مشخص شد که افرادی که در دوران کودکی و نوجوانی آموزش اقتصادی مناسبی دریافت کرده بودند، در دوران رکود اقتصادی، تصمیمات مالی بهتری اتخاذ کردند و کمتر دچار بحران مالی شدند.

از سوی دیگر، پژوهش (Ojand & Mahmoudpour, 2023) تأکید کرده است که توانایی شناختی و دانش اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری دارند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که افرادی که دارای توانایی شناختی بالاتری هستند، تصمیمات اقتصادی بهتری اتخاذ می‌کنند و برنامه‌ریزی مالی موفق‌تری دارند. این نتایج با پژوهش حاضر همخوانی دارد، زیرا در این مطالعه نیز مشاهده شد که دانش‌آموزانی که در معرض آموزش اقتصادی قرار گرفته بودند، مهارت‌های تصمیم‌گیری بهتری نسبت به سایرین داشتند.

نتایج این پژوهش همچنین با یافته‌های (Mayasari, 2015) سازگار است که نشان داد تربیت اقتصادی بر پایه الگوهای خانوادگی و فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی افراد دارد. در مطالعه‌ای مشابه، (Moukhallati, 2017) نشان داد که اجرای پروژه‌های آموزش مالی در مدارس امارات متحده عربی باعث افزایش درک مالی دانش‌آموزان و بهبود مهارت‌های مدیریت پول در آنان شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب در زمینه سواد مالی، می‌تواند تأثیرات بلندمدتی در بهبود تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دانش‌آموزان داشته باشد.

مطالعه (Peighami & Tourani, 2016) نشان داد که یکی از چالش‌های اساسی در زمینه آموزش اقتصادی در ایران، نبود محتوای مناسب در کتاب‌های درسی است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز این مسئله را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که در بسیاری از مدارس، آموزش مالی در قالب دروسی پراکنده و غیرسازمان‌یافته ارائه می‌شود که فاقد انسجام لازم برای تربیت اقتصادی دانش‌آموزان است.

این پژوهش با چندین محدودیت مواجه بود. نخست آنکه جامعه آماری تحقیق تنها شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود و بررسی جامع‌تری از سایر مقاطع تحصیلی صورت نگرفت. محدودیت دیگر، استفاده از روش‌های کیفی و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای بود که امکان تعمیم نتایج به کل جامعه دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، در این پژوهش، تأثیر برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری‌های دیجیتال مانند بازی‌های مالی و شبیه‌سازی‌های اقتصادی بررسی نشد که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد مطالعه قرار گیرد.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، بررسی دقیق‌تری بر تأثیر آموزش مالی در مقاطع تحصیلی مختلف انجام شود. همچنین، پژوهش‌های آتی می‌توانند نقش برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری و رسانه‌های دیجیتال را در یادگیری مهارت‌های مالی مورد مطالعه قرار دهند. از سوی دیگر، بررسی تأثیر آموزش مالی بر تغییر رفتارهای مصرفی دانش‌آموزان و میزان تطابق آن با شاخص‌های اقتصادی کشور نیز می‌تواند زمینه تحقیقاتی مهمی باشد. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی میان ایران و سایر کشورها که تجربه‌های موفق در زمینه آموزش مالی داشته‌اند، می‌تواند به درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های موجود کمک کند.

برای بهبود سطح سواد مالی دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌شود که آموزش اقتصادی و مالی به‌عنوان بخشی از برنامه درسی رسمی مدارس در نظر گرفته شود. این آموزش‌ها باید از طریق روش‌های تعاملی و عملی مانند شبیه‌سازی‌های اقتصادی، بازی‌های مالی و فعالیت‌های گروهی اجرا شوند تا یادگیری را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر کنند. همچنین، معلمان باید آموزش‌های لازم را برای تدریس سواد مالی دریافت کنند و دوره‌های تخصصی برای آنان برگزار شود. علاوه بر این، توصیه می‌شود که خانواده‌ها نیز در این فرآیند دخیل شوند و آموزش‌هایی در زمینه سواد مالی برای والدین ارائه شود. همکاری میان مدارس و سازمان‌های اقتصادی برای توسعه برنامه‌های آموزشی و تأمین منابع مناسب نیز می‌تواند به بهبود وضعیت آموزش اقتصادی در کشور کمک کند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.



موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

Economic education plays a critical role in shaping individuals' financial literacy and their ability to make informed financial decisions. As societies become increasingly complex and economically interdependent, the need for structured economic education has gained prominence. Various studies highlight the significance of financial literacy in reducing economic disparities and improving long-term financial well-being (Lusardi et al., 2010). Research suggests that individuals with higher financial literacy exhibit better financial decision-making, savings behavior, and investment choices (Cameron, 2013). Given these benefits, many developed countries have integrated financial literacy programs into their educational curricula to equip students with essential economic skills (Santomero, 2003).

Despite the growing awareness of financial literacy's importance, many educational systems, particularly in developing nations, lack a structured approach to economic education (Peighami & Tourani, 2016). In Iran, for instance, financial education is not systematically included in school curricula, leaving students unprepared to handle economic challenges in adulthood (Jaberi Safa et al., 2022). The absence of financial education programs has led to knowledge gaps that affect young people's ability to budget, save, and make informed financial decisions (Novitasari et al., 2021).

Adolescence is a crucial stage for economic education, as it marks the transition from childhood dependence to financial responsibility. Studies indicate that financial habits established during adolescence tend to persist into adulthood (Grimes et al., 2021). Furthermore, young individuals often encounter financial decisions such as managing allowances, planning purchases, and even considering long-term investments (Ojand & Mahmoudpour, 2023). Given the importance of financial literacy, this study aims to develop an economic education model for middle school students using the grounded theory approach. By analyzing key factors influencing financial literacy and proposing a structured framework, this research seeks to bridge existing gaps in financial education policies.

Methods and Materials

This study employs a qualitative research design using the grounded theory approach to construct a model for economic education. The research process involved three main coding phases: open coding, axial coding, and selective coding. Through these stages, core categories and subcategories were systematically identified to form a comprehensive model.

The study's population included various textual sources relevant to economic education, including Quranic verses, related exegeses, 193 research articles, 26 master's theses, seven doctoral dissertations, and 12 Persian books. To ensure the study's credibility, semi-structured and in-depth interviews were conducted with 11 subject-matter experts, including faculty members from Farhangian University and middle school teachers. Participants were selected through purposive and snowball sampling methods until theoretical saturation was reached. The research's unit of analysis comprised sentences and words extracted from interviews and textual data.

Data collection was followed by a rigorous data analysis process. Initially, open coding was used to categorize raw data, allowing key concepts to emerge. Next, axial coding facilitated the identification of relationships between these categories,



integrating concepts into a cohesive framework. Finally, selective coding helped refine the findings into a structured model for economic education. The reliability of findings was ensured through triangulation, expert validation, and continuous feedback loops among the research team.

Findings

The demographic analysis of the study participants indicated that they had diverse experiences in economic education and educational policy. The final model comprised 18 core categories and 85 subcategories, categorized into four primary dimensions: causal conditions, contextual factors, strategies, and outcomes.

Causal conditions influencing economic education included financial independence motivation, familiarity with economic principles, and engagement with financial decision-making. Contextual factors encompassed economic policies, cultural attitudes toward wealth, and the availability of educational resources. Strategies identified in the study included integrating financial literacy into school curricula, developing interactive learning tools, and fostering economic awareness through community engagement. The outcomes dimension highlighted improved financial decision-making, economic independence, and enhanced social equity.

One of the key findings revealed that the lack of structured economic education in schools significantly impacted students' ability to manage their finances effectively. Participants emphasized that students who received informal financial education through family discussions demonstrated greater financial awareness than those who relied solely on traditional schooling. Additionally, the study found that economic education should not be limited to theoretical instruction but should include experiential learning methods such as financial simulations and gamification.

The findings further indicated that financial literacy gaps were more pronounced among students from lower-income backgrounds, reinforcing the necessity of policy interventions to promote equitable access to economic education. The proposed model suggests that financial education should be introduced at an early age and gradually expanded to cover advanced financial concepts, including investment strategies and risk management.

Discussion and Conclusion

The results of this study underscore the critical need for a structured approach to economic education at the middle school level. Financial literacy is not merely an academic subject but a life skill that influences individuals' long-term economic stability. The study's findings align with previous research, demonstrating that financial education positively impacts individuals' economic behavior and reduces financial vulnerability.

Implementing a comprehensive economic education framework requires collaboration among educators, policymakers, and financial institutions. Schools should integrate financial literacy into their curricula using interactive and practical teaching methodologies. Additionally, digital tools such as financial literacy applications, online simulations, and gamified learning platforms can enhance engagement and retention.

Family involvement is also a crucial factor in students' financial education. The study suggests that parental engagement in financial discussions significantly influences children's financial decision-making skills. Therefore, financial literacy initiatives should extend beyond schools and involve community-based programs to ensure holistic learning experiences.

One of the main challenges identified in this study is the inconsistency in economic education policies across different schools and regions. Policymakers should develop standardized financial literacy programs to ensure that all students receive adequate training in economic concepts. Additionally, teacher training programs should incorporate financial education modules to equip educators with the necessary knowledge and skills to effectively teach economic literacy.



Despite its valuable insights, this study has certain limitations. The research primarily focused on middle school students, leaving room for further investigation into economic education across different age groups. Future research should explore the long-term effects of financial literacy interventions and assess the impact of digital financial education tools.

In conclusion, economic education is a vital component of a well-rounded education system. The proposed model serves as a roadmap for integrating financial literacy into school curricula, ensuring that students develop the necessary skills to navigate financial challenges. By adopting evidence-based strategies and fostering financial awareness from an early age, educational institutions can contribute to the economic empowerment of future generations.

References

- Ahmadi, A., & Akseiri, M. R. (2023). Skill Training and Economic Education of Students Based on Iranian-Islamic Models. <https://civilica.com/doc/1844327/>
- Cameron, M. P. (2013). Personal financial literacy among high school students in New Zealand, Japan and the United States. *Department of Economics Paper in Economics*. <https://doi.org/10.2304/csee.2013.12.3.200>
- Emam Jomeh, F. (2010). Assessing Students' Economic Knowledge. *Roshd Social Science Education Journal*(46), 50-57. <http://ensani.ir/fa/article/author/59829?ArticleSearch%5BsortBy%5D=mostViewed>
- Grimes, P. W., Rogers, K. E., & Bosshardt, W. D. (2021). Economic Education and Household Financial Outcomes during the Financial Crisis. *Journal of Risk and Financial Management*, 14(7), 316. <https://doi.org/10.3390/jrfm14070316>
- Hosseini, S. A., Goltash, A., Ranjbar, M., & Mohammadjani, S. (2023). Designing and Validating the Family Economics Curriculum for Upper Secondary Education in Iran. *Islamic Lifestyle Journal with a Focus on Health*, 7(1). <https://www.sid.ir/filesserver/jf/3008114020118.pdf>
- Jaberi Safa, N., Armand, M., & Asareh, A. (2022). Designing and Validating an Optimal Economic Education Curriculum Model Based on a Sustainable Development Approach for Lower Secondary Education. *Educational Science Research Quarterly*, 39(3), 26-47. <http://qjoe.ir/article-1-3462-fa.html>
- Jana, D., Sinha, A., & Gupta, A. (2024). Determinants of financial literacy and use of financial services: An empirical study amongst the Unorganized sector workers in Indian scenario. *Iranian Journal of Management Studies*, 12(4), 657-675.
- Lusardi, A., Mitchell, O. S., & Curto, V. (2010). Financial literacy among the young. *Journal of Consumer Affairs*, 44(2), 358-380. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6606.2010.01173.x>
- Luthans, F., Youssef, C. M., & Avolio, B. J. (2016). *Psychological capital: Developing the human competitive edge*. Oxford University Press. <https://www.amazon.com/Psychological-Capital-Developing-Human-Competitive/dp/0195187520>
- Mayasari, S. (2015). Feminist Economy in Family Economic Education to Build Economic Morality of Pancasila. *IOSR Journal of Economics and Finance (IOSR-JEF)*, 6(6), 35-40. <https://www.iosrjournals.org/iosr-jef/papers/Vol6-Issue6/Version-2/D06623540.pdf>
- Mica, S. M. (2015). Students' perception on the prospect of Economics Education Study Program. *Journal of Education and Practice*, 6(28), 139-142. https://eps.journals.umz.ac.ir/mobile/article_2128.html
- Moukhallati, D. (2017). Children learn value of money through school financial literacy project. <https://www.thenationalnews.com/uae/education/children-learn-value-of-money-through-school-financial-literacy-project-1.612601>
- Novitasari, D., Juliana, J., Asbari, M., & Purwanto, A. (2021). The Effect of Financial Literacy, Parents' Social Economic and Student Lifestyle on Students' Personal Financial Management. *Economic Education Analysis Journal*, 10(3), 522-531. <https://doi.org/10.15294/eeaj.v10i3.50721>
- Ojand, I., & Mahmoudpour, K. (2023). Cognitive Ability, Economic Knowledge, and Financial Literacy. *Scientific-Professional Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 7(24), 119-130. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1843>
- Peighami, A., & Tourani, H. (2011). The Role of Economics Curriculum in the Formal and Public Education System of the World: Presenting an Action Plan for a Neglected Curriculum. *Educational Innovations Journal*, 9(37), 31-52. https://noavaryedu.oerp.ir/article_78938.html?lang=en
- Peighami, A., & Tourani, H. (2016). The Role of Economics Curriculum in the Formal and Public Education System of the World: Presenting an Action Plan for a Neglected Curriculum. *Educational Innovations Quarterly*, 9(37), 52-53. https://noavaryedu.oerp.ir/article_78938.html?lang=en
- Santomero, A. (2003). *Knowledge is Power: Importance of Economic Education*. Westchester University Press. https://www.researchgate.net/profile/Anthony-Santomero/publication/5051745_Knowledge_is_power_the_importance_of_economic_education/links/545291010cf26d5090a376b4/Knowledge-is-power-the-importance-of-economic-education.pdf

